

## آبشار دادین، مملو از تراکم شقایق‌های وحشی، نیزارهای فراوان و درختان تنومند

جا بخشیده است و جنگلی کوچک را آفریده است. از آنجا که مسیر دور و صعب العبور است پوشش گیاهی آنجا بسیار غنی و دست نخورده باقی مانده است. رویش انواع و اقسام گل‌های وحشی بهاری از جمله دشت‌های کوچک و بزرگی از گل‌های زرد و تپه‌هایی که از تراکم شقایق‌های وحشی به سرخی می‌گراید. چشم هر بیننده‌ای را نوازش می‌کند و سخاوت طبیعت در پیش پای‌مان فرشی از باغونه‌های وحشی پهن نموده بود. فضا آنقدر رویایی و دیوانه کننده بود که همراهان‌مان سختی راه و کوفتگی پاها را فراموش نموده بودند. خدای من، داشتم فراموش می‌کردم. از زیبایی و سخاوت مندی طبیعت این بهشت کوچک برای‌تان گفتم اما حیف است که از سخاوت و صفا و مهمان‌نوازی اهالی روستای دور افتاده و کوچکی در نزدیکی آبشار سخنی به میان نیآورم. انسان‌های با معرفتی که هنوز بوی عشق می‌دهند و آنقدر صمیمانه و گرم ما را پذیرفتند که زبان از بیان آن همه محبت ناتوان است. خاطره پذیرایی گرم خانواده دوست ارزشمندی به نام ایرج و مادر و همسر مهربانش آنقدر برایم باور نکردنی بود که تا همیشه در ذهنم باقی خواهد ماند و شاید بیان این کلمات تنها و تنها گوشه‌ی کوچکی از محبت فراوان آن‌ها را جبران نموده باشد.

به امید آنکه روزی برسد که همی ما قدر داشته‌ها و توانایی‌ها طبیعت ناب شهرمان را بدانیم و با تلاش و فرهنگ‌سازی ضمن شناساندن به همگان در جهت حفظ و نگهداری آن‌ها نیز بیش از پیش بکوشیم.



پس از سیراب نمودن زمین‌های حاصلخیز و باغ‌ها و نخلستان‌های دشت دادین در جدال همیشگی خود با صخره‌ها و تپه‌های ماهرهای باختری این سرزمین صحنه‌هایی بدیع و ماندگاری را خلق نماید که قطعاً بسیاری از کازرونی‌ها تاکنون آن‌ها را ندیده و از وجود آن بی‌خبریم. آری نبرد همیشگی بین آب و سنگ اینجا نیز یا پیروزی آب همراه است و آب رودخانه دادین پس از فراز و نشیب‌های بسیار سرانجام در کیلومترها دورتر و در عمق ماهرهای کوچک و بزرگ از فراز صخره‌ها به پائین ریخته و چندین آبشار زیبا و تماشایی را به وجود می‌آورد. هر چند برای رسیدن به این مجموعه آبشارهای زیبا باید راه بسیاری پیمود و رنج سفر را به جان خرید و از جاده‌های سخت و خاکی و سنگلاخ و ناهموار گذشت، اما آنگاه که صدای غرش و ریزش آب از بلندای صخره‌ها به پائین از چند صد متر دورتر به گوش شما می‌رسد آنقدر غرق هیجان می‌شوید که گام‌های‌تان را تند و تندتر خواهید کرد تا بلکه شاید دقایقی زودتر به دیدارشان نائل آید. ایام نوروز امسال باز فرصتی دست داد تا به دیدار این مجموعه آبشارهای نزدیک به هم برویم و در محیط بکر و خلوت آنجا دمی استراحت نموده و عکس‌هایی نیز به یادگار بگیریم. محیط اطراف این آبشار مملو از نوع خاصی از درختان تنومند و نیزارهای فراوان است که جلوه‌ای خاص بدان

در انتهای جنوبی‌ترین نقطه دشت زرخیز کازرون، درست آنجا که رشته کوه دیوار مانند جنوبی شهری رفته رفته قامتش کوتاه و کوتاه‌تر می‌شود سرزمینی به غایت حاصل خیز و زیبا وجود دارد که دادین می‌نامندش. سرزمینی تاریخی و کهن با گذشته‌ای پر رمز و راز و کمتر شناخته شده. سرزمینی که در جای جای آن می‌توان نشانه‌های از تمدن چند هزار ساله را یافت و آب این مایه‌ی حیات بخش در گوشه گوشه‌اش از دل زمین سخت می‌جوشد و جاری می‌شود تا گواهی دیگر باشد بر وجود این تمدن دیرپا.

آه که چقدر این گردنه بزنگ (bezenak) برایم خاطره‌انگیز است. گردنه‌ای به نهایت زیبایی با چشم‌اندازی فوق‌العاده تماشایی که بی‌شک عنوان دریاچه‌ای رو به بهشت زینده نام آن است. تماشای منظره دشت سر سبز و آباد و بهشت گونه دادین از فراز این گردنه پریچ و خم آنقدر لذت بخش و وسوسه کننده است که قطعاً ارزش آن را خواهد داشت تا دقایقی از اتومبیل خود پیاده شویم و تماشاگر این قاب سحرآمیز و زیبا شویم. از آن بالا هر گوشه را که بنگریم سیزه در سیزه موج می‌زند و آبی آسمان با سبزی زمین پیوندی ناگسستی یافته است.

چشمه‌ی پر آب و همیشه جوشان قره سو چون نگینی فیروزه‌ای و درخشان در یک سو هنرمندانه زیبایی خود را به رخ هر بیننده‌ای می‌کشد و آرام آرام در لایبای انبوه به هم فشرده جنگل‌های کهنسال کنار (سدر) به سوی مغرب حرکت می‌نماید تا



## چشمه دادین موهبتی فراموش شده



مشرق به دشت دادین قرار دارد. از آنجا که منبع تأمین کننده سفره زیر زمینی این چشمه بیشتر از آب بارندگی است و نه برف بنابراین دامی آب چشمه بیشتر از چشمه‌هایی همچون سراب اردشیر بوده و میزان املاح موجود در آب نیز اندکی بیشتر است. فضای اطراف چشمه با درختان بید و کنار و نیزارهای فراوان پوشیده شده و تا کیلومترها دورتر کشت‌زارها و باغات و نخلستان‌های زیادی قرار دارند که از آب این چشمه سیراب می‌گردند.

از آنجا که بستر چشمه در زمینی گود به مساحت تقریبی نیم هکتار قرار دارد این محیط به مکانی مناسب برای شای جوانان تبدیل شده و در تابستان‌ها بسیار مورد توجه و استقبال قرار می‌گیرد. اما متأسفانه امروز این چشمه بسیار غریب و فراموش شده به حیات خود ادامه می‌دهد. اینجا نیز همچون آبشار بیشه هیچ خبری از امکانات رفاهی و توریستی دیده نمی‌شود. چرا که تا به امروز هیچکس به این فکر نینشاند که اطراف این چشمه را به یک گردشگاه آبرومند برای مردم آن منطقه و شهرستان تبدیل نماید.

آنقدر این چشمه و رودخانه مجاور آن پتانسیل تبدیل شدن به یک منطقه ویژه توریستی و گردشگری را در شهرستان دارد که نگو و نپرس. این چشمه در هر جای دیگر دنیا بود یقیناً وضعیت کنونی را نداشت. نه ساینی نه پارکینگی نه سرویس بهداشتی نه جای برای نشستن حداقل دو خانواده و باز هم هیچ و هیچ و هیچ. آیا کودکان پاک و بی‌گناه دادین نیاز به یک پارک و شهر بازی ساده و کوچک هم که شده را ندارند؟ آیا مرد و زن کشاورز دادینی و بالاده‌ای این حق را ندارند تا پس از یک روز یا یک هفته کار و تلاش و خستگی ساعتی را در

سرزمین پهناور ایران پر است از چشم‌اندازهای طبیعی و منحصر به فرد و مواهب و نعمت‌های بی‌منتهای الهی از کوه‌ها و جنگل‌ها گرفته تا دشت‌ها و دریاچه‌ها. از سواحل آفتابی و زیبا گرفته تا تپه ماسه‌های بی‌مانند کویری و همی این‌ها در گستره وسیعی از شمال تا جنوب و از خاور تا باختر ایران زمین پراکنده شده‌اند. سفرهای بسیار می‌باید تا هر کدام‌مان بتوانیم این چشم‌اندازهای زیبا را دیده و از آن‌ها لذت ببریم. تاکنون آبشار زیبای بیشه در استان لرستان را دیده‌اید یا خیر؟ بی‌شک یکی از خیره کننده‌ترین و چشم‌نوازترین مناظر طبیعت ایران را باید در آنجا و درست در عمق جنگل‌های بلوط زاگرس جست‌وجو کرد. دو سال قبل فرصتی دست داد تا با خانواده سفری به لرستان و به این آبشار زیبا داشته باشیم. هر چند از نظر جغرافیایی این آبشار در ۲۰ کیلومتری شهرستان دو رود واقع شده اما تنها راه زمینی که می‌تواند شما را به این مکان زیبا برساند راهی است بسیار صعب‌العبور و پر پیچ و خم و بسیار خطرناک که از خرم‌آباد مرکز استان شروع شده و ۷۰ کیلومتر طول دارد. پس از یک ساعت و نیم رانندگی پر خطر و دلهره‌آور درحالی‌که لاستیک اتومبیل‌مان از شدت ترمزهای پیاپی داغ کرده و دود از آن بلند شده بود بالاخره به نزدیکی آبشار رسیدیم. از محل پارک اتومبیل که البته به سختی پیدا شد تا خود آبشار می‌بایست حدود ۲ کیلومتر راه را با پای پیاده و در میان سنگلاخ‌ها می‌پیمودیم اما عشق به دیدن این مکان رویایی ما را به رفتن امیدوار کرده بود. متأسفانه آنجا نه مکانی برای نشستن بود نه ساینی برای ایستادن نه جای برای پارک اتومبیل بود نه آبی برای آشامیدن و نه حتی یک سرویس بهداشتی هیچ و هیچ و هیچ. در دل بر بی‌توجهی مسئولان گردشگری آن استان هزار افسوس



**منتظر اخبار و مطالب شما هستیم**

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.

mailto:Farzfarhad@gmail.com

کارشناس سرویس گردشگری: محمودرضا پولادی